

شنبه ۱۳ جولای ۲۰۱۹

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی مترجم: فریدہ نوری

قسمت بیست و دوم

قاب عکس توست اما شیشہٴ عمر من است

بوسہ بر عکست زخم ترسم کہ قابش بشکند

تار موی توست اما ریشہٴ عمر من است

بوسہ بر مویت زخم ترسم کہ تارش بشکند



نوین سازی جامعه: (La modernisation de la société)

هدف در قدم اول نوسازی کشور بود، بدون آن کہ آزادی سیاسی، در زندگی سیاسی وجود داشته باشد. نو آوری ها و نو سازی ها مخصوصاً زیادتر در سکتور تعلیم و تربیہ قابل ملاحظہ بود.

قانون اساسی در ماده 20، تعلیم را برای همه اطفال اجباری اعلان کرد، مکاتب بدسترس همه اتباع و تحت نظارت دولت قرار داشت. دروس تدریسی شامل ادبیات (فارسی، پشتو، تاریخ و جغرافیه)، سیانس، و هنر از قبیل رسامی، خیاطی و صنایع دستی و همچنان دینیات و قرآن شریف بود. و ماده 21 قانون اساسی مشخص می سازد، تمام اتباع حق دارند تا به به تعلیمات مذهبی راه یابند.

به قرار اولسن استه (Olesen Asta):

«سیستم تعلیمات غیر مذهبی در ظرف چند سال انکشاف قابل ملاحظه را پیموده است».

قانون ازدواج در سال 1934 میلادی شکل خیلی ملایم و مختصر را به خود گرفت. در قانون ازدواج 1921 و 1924 میلادی در مورد مصارف گزاف، مانند دادن طویانه و مواد خوراکه و مقدار زیاد مصارف دیگر نامزادی تصامیم بسیار مهم در نظر گرفته شد. در قانون 1934 میلادی قوانین ای وضع گردید، که در آن هم جهت تعیین نمودن و اندازه مصارف نامزادی و عروسی و هم برای دوام مدت مراسم حد تعیین گردید.

شخصیت های مذهبی تمام مصارف گزاف و هنگفت را برخلاف شرعیت اسلامی دانسته و با قوانین موافقت خود را اعلان نمودند.

« در حالی که زیادتیر نوگرا بودند نظر به سنت گرا، اعلیحضرت محمد نادر خان و برادرانش برخلاف امیر امان الله خان در مورد پلان های ایدیولوژیکی و ریفورم اصلاحاتی عجله ننمودند، در حالیکه امیر امان الله خان می خواست که تمام مردم، دنیا را از دید وی مشاهده کنند، و یک تعداد زیاد اصلاحات را به صورت سریع براه انداخت.

در حالی که برادران مصاحبان عین ریفورم ها را به صورت خاموشانه و بدون سر و صدا و بدون اعلان ایدیولوژیکی به آهستگی پیش بردند. (181 : 1987 Grevenmeyer). مهارت اعلیحضرت محمد نادر خان و دودمان سلطنتی مصاحبان مبتنی بر دفاع مطلق از منافع قبایل، مذهبیون و دودمان سلطنتی بود، که همه را با هم متحد نموده و از آن یک برداشت واضح و شفاف از پادشاه ارائه کردند، که شاه به حیث مظهر حکومت و دولت است. (: 1969 Grégorien 307) «.

آنچه که مربوط به گشایش و راه باز نمودن سیاسی رژیم بود برعکس قانون اساسی عمل می شد و تمام تصامیم توسط دربار و یا قوه مجریه گرفته می شد، که زیادتیر اعضای آن از اعضای خانواده شاهی و یا اطرافیان شان در اوایل تشکیل شده بود.

ادغام شخصیت های مذهبی در نهاد ها:

در طول مدت نیم قرن، ارتباطات بین دولت و علما تغییرات زیادی را نظر به وسعت یافتن تدریجی دولت متحمل گردید، دقیقاً این وسعت یافتن بر نوسازی تدریجی ساحة سیاسی ارتباط می گیرد.

در حقیقت اسلام اجتماعی، سنتی تعریف گردیده است، و خود را طوری آشکار و مشخص می سازد که تمام تصامیم سیاسی از طرف بازیگران غیر رسمی و یا تشکیلات غیر رسمی مانند فامیل ها، قبیله ها، بزرگان قریه جات و یک اقتدار اسلامی غیر رسمی گرفته می شود. در حقیقت مطلقاً و کاملاً نشان دهنده مخلوط شدن ساحة سیاسی و ساحة اجتماعی می باشد.

برعکس ظهور یک نهاد دولتی متمرکز از زمان سلطنت امیر عبد الرحمن خان، یک عامل خودمختاری تدریجی ساحة سیاسی گردید، و دلیل اصلی کشمکش و نزاع با بازیگران سنتی می باشد، که قبل از ظهور دولت تمام تصامیم سیاسی به سویه محل توسط بازیگران سنتی گرفته می شد.

نتیجه این تحول، عبارت بود از از بین بردن تقسیمات کار ها بین اقتدار مذهبی و اقتدار سیاسی که تا به این دم وجود داشت، گردید. مانند تعلیم و تربیه و عملی نمودن شریعت، که در جمله وظایف دولت شامل گردید.

نتیجه از بین بردن این تقسیمات بین ساحة سیاسی و ساحة مذهبی، باعث انکشاف دولت در ریفورم های اصلاحاتی وی که غیر مذهبی ساختن ساختار های دولتی را همراهی می کرد، سبب یورش شخصیت های مذهبی در ساحة سیاست شد. که نتیجه این پدیده، تغییرات شخصیت های مذهبی به مامورین معاش دار و تشکیل گروپ های فشار مذهبی مانند جمعیت العلماء (- Djami'yat al - Ulamâ) که در سال 1931 میلادی به وجود آمد، که وظیفه دفاع از مذهبیهون را در مقابل دولت عهده دار بود.

وظیفه دیگر جمعیت العلماء هماهنگی و توافق قوانین موجوده با اسلام، و تأیید قوانین نو که توسط دولت پیشنهاد می گردید، بود که این خودش دلیل به عمیق ساختن و گسترش ساحة عمل علماء، از زمان خلق شدن میزان التحقیقات (Mizhan - al - Tahqiqât) توسط امیر حبیب الله خان و ادامه آن در زمان امیر امان الله خان می باشد.

میزان تحقیقات مانند جمعیت العلما دارای عین امتیازات بود، لکن میزان تحقیقات تنها از چند عضو که توسط رژیم انتخاب شده بود، تشکیل گردیده بود در حالیکه جمعیت العلما یک تشکیل ملی را نشان دهنده بود.

در سال های بعدی جمعیت العلما در پلان اول رول بازی نکرده زیرا دولت اصلاحات نو به وجود نیاورد، و یک دوره آرامش در ارتباطات بین مذهبیین و اقتدار سیاسی بود، مذهبیین به فعالیت های سنتی خود رو آوردند، لکن مؤقف مامور دولت بودن شان حفظ بود.

ادامه دارد